

تصویب بودجه است یا صدور مجوز خرج کردن؟!

آقای علیرضا رخشنده‌رو رئیس دیوان محاسبات گفته است در بودجه فعلی که به صورت برنامه‌ای تنظیم می‌شود به دلیل کثی بودن معیارها امکان ارزیابی و نظارت مطلوب بر اجرای قانون بودجه وجود ندارد. تغییر بودجه برنامه‌ای کشور به بودجه عملیاتی به منظور دستیابی به نظام ارزیابی صحیح ضروری است و نبود سیستم ارزیابی مطلوب از مشکلات عمده بودجه کشور است. (جراید ۲۱ آذر سال جاری)

برای روشن شدن نیت رئیس دیوان محاسبات ناگزیر به آوردن مثال‌هایی هستیم.

در بند ۳ از تبصره ۳ لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ کشور آمده است: «... [سازمان برنامه و بودجه مکلف است] مبلغ پنجاه میلیارد (۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال از تسهیلات بانکی جهت خرید مدارس نیمه تمام براساس معرفی وزارت آموزش و پرورش در اختیار کارکنان وزارت مذکور، جهت تأسیس مدارس غیرانتفاعی قرار دهد.

وجوه دریافتی توسط وزارت آموزش و پرورش بابت فروش مدارس نیمه تمام، به حساب ردیف ۲۲۳۲۵۰ واریز می‌گردد و معادل صد در صد (۱۰۰٪) مبلغ واریزی به خزانه از محل ردیف ۵۰۳۲۷۹ جهت تکمیل پروژه‌های نیمه تمام واحدهای آموزشی در اختیار وزارت مذکور قرار می‌گیرد.

کمی دقت نشان می‌دهد رقم عملیاتی همین بند از تبصره سه نه پنجاه میلیارد ریال، بلکه یکصد میلیارد ریال است، زیرا وزارت آموزش و پرورش یکبار برای دادن پنجاه میلیارد ریال اعتبار به گروهی از کارکنان خود اعمال نظر می‌کند و سپس همین پنجاه میلیارد ریال را به مصرف می‌رساند و این همه، فقط ناظر بر بخش کوچکی از فعالیت‌های این وزارتخانه، یعنی تعیین تکلیف ساختمان‌های نیمه تمام آموزشی است.

در یک بند از یک تبصره بودجه اجازه جابه‌جایی یکصد میلیارد ریال پول داده می‌شود (عملیات کمی) بدون آن که حداقل ضوابطی برای ایجاد اطمینان نسبت به مصرف دقیق و خالی از امکان سوء عمل در هزینه کردن این مبلغ پیش‌بینی شده باشد. (عملیات کیفی) بدین قرار نمایندگان مجلس تصویب می‌کنند پنجاه میلیارد ریال اعتبار در اختیار کارکنان وزارت آموزش و پرورش گذاشته شود تا آنان مدارس نیمه تمام را بخرند. اما کدام کارکنان و کدام مدارس؟

اگر چند سال بعد مشخص شود این پنجاه میلیارد ریال اعتبار در اختیار عمده‌ای نورچشمی قرار گرفته، و آنها بجای خرید مدارس نیمه تمام واقع در مناطق محروم، مدارس واقع در بهترین خیابان‌های مرکزی و شمالی

تهران و مراکز استانها را به ثمن بخش خریداری کرده‌اند دیوان محاسبات یقه چه کسی را می‌تواند بچسباند؟ یا اگر سازمان بازرسی کشور متوجه شد قیمت کارشناسی این مدارس را مثل قیمت کارشناسی خودروهای دولتی واگذار شده به نور چشمان تعیین کرده‌اند، دستش به کدام عرب و عجمی بند است؟

به دو مورد دیگر که در قالب تبصره ۲ لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده است می‌پردازیم: «الف- به منظور بهبود راندمان آبیاری و بهره‌وری بیشتر از منابع آب و خاک از طریق توسعه شبکه‌های آبیاری تحت فشار (بارانی و قطره‌ای) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است مبلغ یکهزار و دویست میلیارد (۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تسهیلات اعتباری بدون اخذ وثیقه، جهت پروژه‌های آبیاری تحت فشار و آبیاری قطره‌ای و بارانی، به اشخاص حقیقی و حقوقی اعطاء نماید. دولت موظف است حداکثر هفتاد درصد (۷۰٪) سود و کارمزد و تسهیلات مذکور را در سررسید در لوابیح بودجه منظور نموده و بازپرداخت تسهیلات اصطالی را تضمین نماید.

ب- به منظور اجرای طرح اشتغال ویژه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است مبلغ ششصد میلیارد (۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تسهیلات اعتباری کوتاه مدت و میان مدت (حداکثر پنجسال) به اشخاص حقیقی و حقوقی بدون اخذ وثیقه اعطاء نماید. دولت موظف است حداکثر هفتاد درصد (۷۰٪) سود و کارمزد تسهیلات مذکور را در سررسید در لوابیح بودجه منظور نموده و بازپرداخت تسهیلات اصطالی را تضمین نماید. چگونگی اجرای طرح و سازماندهی آن توسط هیأتی که دولت انتخاب می‌کند تعیین می‌شود.

نکات شایان توجه در این دو بند از تبصره ۲ به قرار زیر است:

۱- یکهزار و هشتصد میلیارد ریال از منابع مالی کشور بدون اخذ وثیقه در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی قرار می‌گیرد. اگر تمام یا بخشی از این اعتبارات حیف و میل شد چه کسی تاوان می‌پردازد؟ جز ملت؟ اگر یک فرد حقوقی (مثلاً شرکت X) و یا یک فرد حقیقی (مثلاً یکی از نورچشمی‌ها) بخشی از این اعتبار را دریافت کرد و آن را بالا کشید، دستگاه‌های اجرایی و قضائی کشور چه ابزاری در اختیار دارند تا با استفاده از آن مبادرت به استیفای حقوق هارت شده ملت کنند؟

۲- در هر دو بند این تبصره دستگاه مصرف‌کننده این اعتبارات بوضوح مشخص نشده است. مثلاً معلوم نیست اعتبارات هنگفت مربوط به آبیاری تحت فشار

تماماً از سوی وزارت کشاورزی هزینه خواهد شد، یا وزارت جهاد سازندگی، وزارت نیرو و یا وزارت تعاون هم در تخصیص این اعتبارات دخالت دارند؟ در بند ب هم معلوم نیست طرح اشتغال ویژه چه مشخصاتی دارد و چه گروه‌هایی را شامل شود: جوانان بی‌کار؟ تولیدی‌های کوچک؟ صنایع متوسط یا صنایع بزرگ؟ اصولاً اگر ادعا شود ممکن است بخشی از این اعتبار ششصد میلیارد ریالی سر از مشاغل خدماتی و یا حتی معاملات واسطه‌گری درآورد، کدام مستند در لایحه پیشنهادی برای بودجه سال ۱۳۷۵ وجود دارد که نافی این ادعا باشد؟ یا اگر در فرادهای نزدیک یا دور معلوم شد این اعتبارات [خدای ناخواسته] به مصارفی زیانبار رسیده است دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور با کدام مستندی می‌توانند مدعی شوند مصرف این اعتبارات بر خلاف مصالح عمومی و روح قانون بودجه مصوب مجلس بوده است؟

۳- همچنانکه مشخص نیست کدام وزارتخانه یا سازمان این اعتبارات را تخصیص می‌دهند، هویت استفاده‌کنندگان از این اعتبارات نیز نامعلوم است. آیا اعتبارات مربوط به آبیاری تحت فشار در اختیار کشاورزان و باغداران قرار می‌گیرد یا سرمایه‌داران شهرنشین؟ آیا تولیدکنندگان واقعی از این اعتبار هنگفت که ۷۰ درصد سود و کارمزد آن هم از بیت‌المال پرداخت می‌شود استفاده خواهند کرد یا واردکنندگان عزیز دردانه و پورسانتاژ بگیر؟

هم در مورد بند ۳ تبصره ۲ و هم در مورد بندهای الف و ب تبصره ۲ که فوقاً مورد بررسی قرار گرفت در پایان تبصره ذکر شده است که آیین‌نامه اجرایی آنها به تصویب هیأت دولت خواهد رسید. و این در حالی است که در برخی تبصره‌ها چنان شروط غلاظ و شدادی راجع به نحوه مصرف اعتبارات ذکر شده که پیشاپیش احساس گناه را در روان مجریان برمی‌انگیزد. مثلاً در انتهای بند ب از تبصره ۸ که اختصاص چهار میلیارد ریال از منابع نظام بانکی را برای تقویت تعاونی‌های فرم‌نگیان وزارت آموزش پیش‌بینی کرده، آمده است: «استفاده‌کنندگان از تسهیلات اعتباری این بند، ملزم به بازپرداخت مطالبات بانکی بوده و سدم پرداخت بدهی در حکم تصرف غیرقانونی در اموال و وجوه دولتی است.»

قانون بودجه فراتر از قوانین دیگر است؟!

گویا سازمان برنامه، و بودجه‌نویسان کشور به این باور تن در داده‌اند که قانون بودجه باید واجد چنان اقتداری باشد که علاوه بر مصون بودن از حسابرسی،

هرجا لازم باشد بتواند قوانین دیگر را نقض کند. دو مورد را به مصادق هشت نمونه خروار است، ذکر می‌کنیم:

می‌دانیم طبق قوانین متعدد از فعالیتهای مختلف اقتصادی مبالغی به عنوان مالیات و عوارض به نفع شهرداریها دریافت و به حساب خزانه‌داری واریز می‌شود و سپس این وجوه حسب مورد به شهرداریهای مختلف، و یا حسب سهمبندی بین شهرداریهای هراسر کشور توزیع می‌شود تا به مصرف رفع نیازهای مالی شهرداریها برسد. اما برنامه‌نویسان به خود حق می‌دهند برای مصرف این وصولیها محدودیت قائل شوند، چنانچه در بند ج تبصره ۱۹ آمده است: «خزانه‌داری کل مکلف

است وجوهی را که طبق قوانین و مقررات مربوطه توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی به نام شهرداریها وصول و در حسابهای خزانه‌داری کل متمرکز می‌گردد تا سقف شصت و پنج میلیارد (۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال جهت تأمین خودکفالی و تقسیم بین شهرداریها در اختیار وزارت کشور- سازمان شهرداریها قرار دهد.

اگر مبلغ وصولی از محل‌های فوق نه شصت و پنج میلیارد ریال که ششصد و پنجاه میلیارد ریال باشد، تکلیف بقیه آنها چه خواهد شد؟ اگر در بند ج تبصره ۱۹ یک کلمه علی‌الحساب پس از رقم ۶۵ میلیارد ریال وجود داشت می‌شد موضوع را چنین تعبیر کرد که برای مازاد این وصولی‌ها نسبت به رقم فوق تعیین تکلیف قطعی نشده است. اما فقدان هرگونه توضیحی این فرض را مطرح می‌کند مازاد این وصولی‌ها در محل‌هایی خرج خواهد شد که با روح خود قوانین موضوعه سازگار نیست. حال در چه محل‌هایی، به وسیله کدام سازمانها و برای چه اهدافی... معلوم نیست.

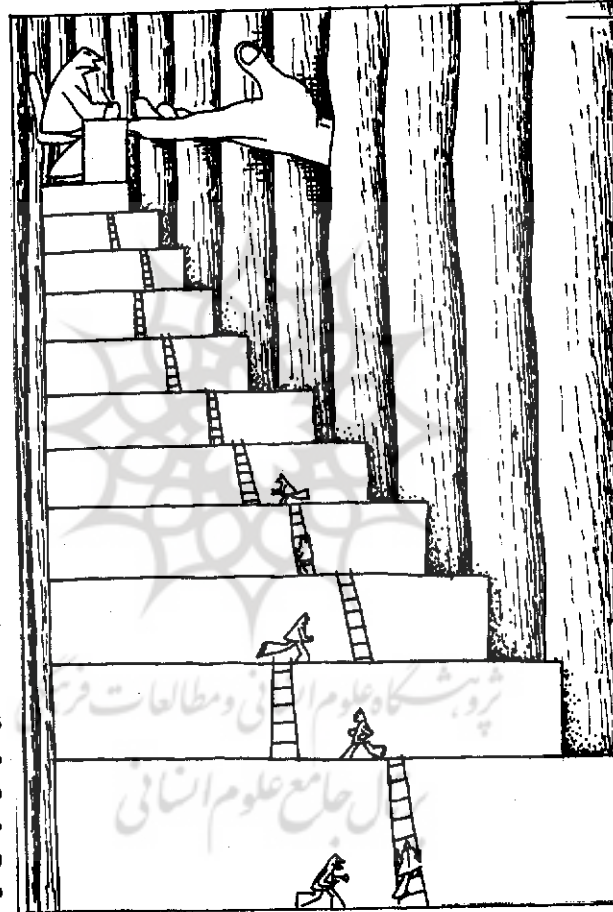
از این شگفت‌انگیزتر بند ۴ تبصره ۳۵ است... تبصره ۳۵ به وزارت جهاد اجازه می‌دهد برای کاهش نیروی انسانی مازاد خود ۵۰۰۰ را نفر را تعدیل کند. در بند یک این تبصره چنین آمده است: «اعتبار مورد نیاز جهت باز خریدی خدمت... افراد مذکور از محل اعتبارات ردیفهای ۵۰۳۲۸۶ و ۵۰۳۰۸۷ به

نسبت دو سوم و یک سوم تأمین می‌گردد. سپس در بند ۳ ذکر شده، افراد باز خرید شده فوق‌الذکر جهت استفاده از تسهیلات بانکی معرفی شده و در اولویت قرار می‌گیرند و بعد در بند ۴ می‌خوانیم: «کارگاهها و تجهیزات و ماشین آلات و اموال منقول وزارت جهادسازندگی و سازمانهای وابسته و تایمه و شرکتهای تحت پوشش به قیمت کارشناسی رسمی و بدون تشریفات مزایده به افراد مذکور به صورت نقد و اسطاف فروخته می‌شود».

هنوز مرکب گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص در مورد نحوه واگذاری خودروهای دولتی خشک نشده است که ما شاهد چنین تجویزهایی در لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ می‌شویم. ما می‌دانیم وزارت جهاد سازندگی حجم

عظیمی از تجهیزات، کارگاهها و ماشین‌آلات سنگین را در اختیار دارد که تعداد زیادی از آنها به دوره دفاع مقدس مربوط می‌شود. حتی یک بولدوزر فکسنی و اسقاط اکنون صدها میلیون ریال قیمت دارد، آن وقت بودجه‌نویسان ما جواز صادر می‌کنند که این ثروت‌های عظیم بدون انجام تشریفات مزایده واگذار شود.

قید جمله فروش به قیمت کارشناسی رسمی نیز نمی‌تواند نه نادیده انگاشتن قانون مربوط به مزایده اموال دولتی را توجیه کند و نه هم این اطمینان را به وجود آورد که ماجرای واگذاری خودروهای دولتی که دست پخت آقایان برنامه‌نویسان در بودجه سال ۱۳۷۳ بود و نمایندگان



در واقع قید شروطی نظیر آنچه در انتهای بند ب تبصره ۶۱ و بند ب تبصره ۸ آمده متابع از قوانین جاری کشور و نشان دهنده التزام به رعایت انضباط مالی است، اما در نقطه مقابل، مواردی نظیر اختیاراتی که در بند ۸ تبصره ۳، بندهای الف و ب تبصره ۲ و بند ۴ تبصره ۳۵ آمده و برای خرج مبالغی نجومی در اسوری مبهم و نامشخص مجوز صادر می‌کند، نشان دهنده عدم التزام به قوانین و رعایت انضباط مالی در سطوح مختلف قوه مجریه است.

ما را بنا به تشریح موارد مشابه در همین لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ و یا بر شمردن خلافتکارهای عظیم و مستطرد مالی در سالهای قبل نیست، زیرا که اولی حوصله و امکانات فراوان می‌طلبد، و دومی به یمن افشاگریهای سازمان بازرسی کل، کمیسیونهای تحقیق و تفحص مجلس و گزارشهای رسانه‌های عمومی چنان اظهر من الشمس شده که برای رؤیت آنها دیگر نیاز به روشن کردن چراغی نیست.

در یکی دو ساله اخیر بارها شنیده‌ایم که بالاترین مدیران کشور بر لزوم استقرار یک انضباط شدید مالی تأکید کرده‌اند. این انضباط از کجا باید آغاز شود؟ جز از صحن مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات که طبق اصل پنجاه و چهارم قانون اساسی چنین تعریف شده است: «دیوان محاسبات مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استانها به موجب قانون تعیین خواهد شد».

اصل پنجاه و پنجم قانون اساسی نیز وظایف و اختیارات دیوان محاسبات را به این شرح تعریف کرده است: «دیوان محاسبات به کلیه حسابهای وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نفعی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به تریبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز کرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش

تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود».

با وجود این صراحت رئیس کنونی دیوان محاسبات می‌گوید: «در بودجه فعلی که به صورت برنامه‌ای تنظیم می‌شود به دلیل کمی بودن معیارها امکان ارزیابی و نظارت مطلوب بر اجرای قانون بودجه وجود ندارد».

تفریغ بودجه یا گزارش تخلفات مالی؟

عجیب اینکه هم ایشان در ادامه سخنان خود می‌گویند: «تفریغ بودجه سال ۱۳۷۲ کشور تا پایان اسفند تقدیم مجلس می‌شود. با تقدیم تفریغ بودجه سال ۷۲ در

مجرم نیز با چاشنی تصویب بی‌قید و شرط آنرا بسیار «مطبوع» و «خوشمنزه» کردند در ابعاد بسیار وسیعتری تکرار نشود.

وجود تضادهائی از این قبیل در لایحه بودجه ۱۳۷۵ که مغایر با قوانین و رویه‌های جاری در کشور است زمانی مشخص می‌شود که به بند ب از تبصره ۶۱ همین لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ توجه کنیم: «[به دولت اجازه داده می‌شود] الف... ب- اموال منقول مازاد دستگاههای اجرایی را از طریق مزایده عمومی به بخش غیردولتی واگذار و وجوه حاصله را به حساب درآمد عمومی کشور، موضوع ردیف ۲۲۵۲۰۰ قسمت سوم این قانون واریز نماید».

مجموع سه تفریح بودجه طی یک دوره مجلس به مجلس تقدیم شده است که این در تاریخ مجلس بی سابقه است؛ اگر طبق قسمت اول اظهارات ایشان امکان ارزیابی و نظارت مطلوب در مورد عملکرد بودجه و چگونگی به مصرف رسیدن اعتبارات وجود ندارد؛ تهیه و ارائه گزارش تفریح آن متضمن چه فایده‌ای است؟ نمایندگان مجلس این گزارشها را تصویب کرده‌اند و خواهند کرد، نتیجه کل این جریانات یعنی اینکه تخلفاتی در مورد درآمدها و هزینه‌های کشور رخ داده که قابل بررسی نبوده است، و نمایندگان مجلس با تصویب گزارش‌های تفریح بودجه، ضمن صحنه گذاشتن بر تخلفات انجام شده، گزارش را به پایگانی را کد فرستاده‌اند!

روز یکشنبه ۲۶ آذر آقای بیت‌الله جعفری مخر کمیسیون دیوان محاسبات گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۷۱ کل کشور را قرائت کرد. در این گزارش مواردی چنان هشداردهنده از تخلف وجود داشت که به راستی هر کدام سندی است از فقدان انضباط مالی در سطوح اجرایی کشور. میزان این تخلفات چنان است که می‌توان ادعا کرد آنچه قرائت شد نه گزارش تفریح بودجه، بلکه گزارش خلانکاریهای عظیم مالی بود. چند نمونه را ذکر می‌کنیم.

● اصل و بهره وامها و سود حاصل از سرمایه گذاری دولت در داخل و خارج کشور - در مقابل پیش‌بینی مبلغ هفتاد و چهار میلیارد و دو بیست و نود و نه میلیون (۷۴/۲۹۹/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد بابت اصل و بهره وامها مبلغ شصت و دو میلیارد و دو بیست و پنجاه و دو میلیون (۶۲/۲۵۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال وصول شد. که ۱۶/۲۱ درصد کمتر از پیش‌بینی می‌باشد. عمده‌ترین دلایل کاهش وصولی در این بخش عبارتند از: الف - کاهش وصولی درآمد موضوع بند دوم از این بخش (اصل وامهای دولت در خارج از کشور) با ۸۵/۵۲ درصد کاهش. در این ارتباط سازمان سرمایه‌گذاری و کمتهای اقتصادی و فنی ایران که مسئولیت وصول درآمد را به عهده داشته اعلام نمود مبلغ پیش‌بینی شده و پیشنهاد شده به سازمان برنامه و بودجه فقط پنج میلیارد (۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال بوده در حالی که سازمان مذکور رأیا اقدام به افزایش تا سطح چهل میلیارد (۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال نموده است. ب - کاهش وصولی درآمد موضوع بند چهارم از این بخش (وصولی دولت بابت پرداخت اصل و بهره وامهای تحصیلی گذشته مؤسسات و شرکتهای دولتی از محل وامهای تضمینی) با عناوین پرداخت وام طرحهای انتفاعی، شرکت مخابرات ایران با پیش‌بینی مبلغ ده میلیارد (۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به طوری که وصولی آنها کلاً به میزان ۷۲/۳۷ درصد نسبت به پیش‌بینی کاهش داشته است.

در این میان شرکت مخابرات ایران هیچگونه ارزیابی بابت بازپرداخت وام طرحهای انتفاعی نداشته و در ارتباط با علت عدم ارزیابی نیز پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه نداده است.

همچنین شرکت ملی صنایع مس ایران در ارتباط با کاهش ارزیابی اعلام داشته که رقم مندرج در قانون

بودجه سال ۱۳۷۱ کل کشور از طریق کارشناسان سازمان برنامه و بودجه و بدون و قوف کامل از بازپرداخت سایر تعهدات شرکت پیش‌بینی گردیده است. وزارت امور اقتصادی و دارایی که مسئولیت وصول درآمد سایر شرکتهای را بر سر عهده داشته، در مقابل یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال پیش‌بینی فقط یکصد و بیست میلیون (۱۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال وصول نموده و اداره کل خزانه نیز علت عدم وصول را عدم توانایی مالی دستگاههای مربوط اعلام داشته است.

۷ - سایر منابع تأمین اعتبار در مقابل پیش‌بینی مبلغ هفتصد و نود و پنج میلیارد و پانصد و سه میلیون (۷۹۵/۵۰۳/۰۰۰/۰۰۰) ریال درآمد سایر منابع مبلغ نصد و هفت میلیارد و ششصد و شصت و چهار میلیون (۹۰۷/۶۶۴/۰۰۰/۰۰۰) ریال وصول شده است. دلیل افزایش مربوط به زیرمجموعه ردیف ۷۱۰۰۰۰ می‌باشد که اختصاص به استقراض از سیستم بانکی دارد. در سال ۱۳۷۱ استقراض از سیستم بانکی به مبلغ (۲۸۴/۶۶۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال (۲۵/۶۹) درصد نسبت به پیش‌بینی افزایش داشته است. ضمناً از بابت برگشتی از پرداختهای سال قبل با شماره طبقه‌بندی ۷۲۰۰۰۰ هیچگونه وصولی در صورت تصاحب عملکرد درج نشده است.

● از کل بانتهای کشور تنها بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در موعد مقرر صورتهای مالی خود را به مراجع ذی‌ربط ارائه کرده است و ۸ بانک صورتهای مالی خود را در موعد مقرر به تصویب مراجع ذی‌صلاح نرسانده‌اند.

● ... بابت ۵۶/۵۵ درصد درآمد پیش‌بینی شده شرکتهای دولتی و مؤسسات انتظامی وابسته و از برای ۶۰/۱۳ درصد هزینه دستگاههای مذکور صورتهای مالی ارائه نشده است و هیچ یک از ۳ مؤسسه انتفاعی وابسته به دولت یعنی سازمان صنایع ملی ایران و سازمان بنادر و کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران و سازمان صنایع دفاع صورتهای مالی خود را ارائه نداده‌اند.

● مطالب مندرج در گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۷۱ کل کشور حاکی از آن است که مدیریت مالی دولت و سیستم مالی شدیداً نیازمند دگرگونی اساسی و نظارت مستمر می‌باشد و اغلب دستگاهها نسبت به امر حسابداری بی‌توجهی نشان می‌دهند که بدین ترتیب اظهار نظر نسبت به مجموعه صورتهای مالی را غیر ممکن می‌سازد.

با توجه به چنین واقعیتی اگر مجلس به گزارش تفریح بودجه رأی مثبت دهد، در واقع تخلف‌های انجام شده را تأیید و تصویب کرده است و اگر بخواهد به وظایف قانونی خود در برابر قانون اساسی عمل کند باید متخلفین از قانون بودجه سال ۱۳۷۱ را مورد بازخواست قرار دهد. شق سومی وجود ندارد.

از سوی دیگر حافظان قانون اساسی باید توجه داشته باشند که ادامه این روند یعنی نادیده انگاشتن اصولی از قانون اساسی؛ یعنی عدم جدی گرفتن وظیفه خطیر نمایندگی مجلس، یعنی تساهل در مورد بی‌انضباطی شدید مالی، یعنی مستعدتر کردن زمینه برای حیف و میل

بیت‌المال، یعنی مسدود نکردن گذرگاههای وسیع سوء استفاده، و یعنی...

اما نکته‌ای دیگر هست که نمی‌توان از تذکارات چشم پوشید؛ این نکته که علی‌رغم ایرادگیری منطقی رئیس دیوان محاسبات در مورد شیوه کنونی بودجه‌نویسی، مواردی هست که این دیوان با دقت در آنها می‌تواند دربرابد آیا رعایت موازین قانونی در اجرای قوانین بودجه شده است یا نه؟ مثلاً گفته شده است که در سال ۷۲، هنگامی که در محافل بسته خصوصی زمزمه یکسان شدن نرخ ارز پیچیده بود تعدادی از سازمانها و عده‌ای از افراد صاحب رابطه در حجم وسیعی مبادرت به دریافت دلار هفت تومانی کردند. آنها با این دلارهای ارزان کالاها را متنوعی از خارج خریدند و سپس قیمت کالاها را وارداتی را با احتساب قیمت ارز به نرخ جدید دولتی، و ای بسا به نرخ بازار آزاد تعیین کردند و فروختند و سودهای سرشاری به جیب زدند. (۱) آیا مطالبی که در این باره نوشته و گفته شد شایعه بود یا رنگه‌ای از واقعیت در آن وجود داشت؟ اگر واقعیتی در این ادعاها وجود دارد گمان نمی‌رود شیوه فعلی بودجه‌نویسی مانع تحقیق و تفحص دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور برای کشف حقیقت باشد. زیرا در آن بودجه ردیف‌های دلاری و ریالی اعتبارات می‌تواند نشان دهد چه مبلغ از دلارهای حاصل از صادرات نفت (و محل‌های دیگر) به قیمت هفت تومان محاسبه شده و چه مقدار به قیمت شناور، ترجیحی و نرخ رسمی جدید. توجه به تاریخ دریافت دلارهای هفت تومانی و تطبیق آن با نام دریافت‌کنندگان و تاریخ دریافت، و مستندات دیگری از این قبیل، امکان می‌دهد مأموران دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور بتوانند تعیین کنند اخبار آن ایام بر مبنای شایعه بوده یا از واقعیت مایه می‌گرفته است؟

توجه به همین یک نکته در گزارش تفریح بودجه سال ۱۳۷۲ که اکنون در دست بررسی است و طبق وعده آقای رخشنده‌رو قرار است تا پایان سال جاری تقدیم مجلس شود ای بسا پیش‌زمینه‌ای خواهد بود که نمایندگان مجلس با یک برخاستن و نشستن بر عملکرد مالی یک سال کشور صحنه نگذارند.

بهر تقدیر، عمر چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی در شرف پایان یافتن است. آیا می‌توانیم امیدوار باشیم نمایندگان این دوره در واپسین ماههای وکالت خود سوگندی را که طبق اصل شصت و هفتم قانون اساسی یاد کرده‌اند مد نظر قرار دهند و بودجه‌ای را تصویب کنند که دیوان محاسبات هنگام بررسی عملکردهای مرتبط با آن بار دیگر به این نتیجه نرسد که:

«به دلیل کمی بودن معیارها امکان ارزیابی و نظارت مطلوب بر اجرای قانون بودجه وجود ندارد؟!»

۱ - در این زمینه توجه علاقمندان را به گزارشی که تحت عنوان «صنایع اراک» نه برای دولت آب و نه برای مردم ناپاد در شماره ۳۶ - ۳۵ (پهن ۱۳۷۲) همین ماهنامه چاپ شد ارجاع می‌دهیم. در این گزارش آمده است که چگونه ماشین‌آلات وارد شده با ارز ۷ تومانی توان رقابت از صنایع داخلی را که مجبور بودند برای وارد کردن مواد اولیه و تأمین نیازهای تدارکاتی خود ارز ۱۸۰ تومانی را از بازار آزاد بخرند، سلب کرده بود.